

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: آخاندرو مارکو دل پونت  
برگردان: مجله جنوب جهانی  
فرستنده: طاهر باختری  
۰۲ مارچ ۲۰۲۵

## آزمایش تجارت و زنجیره دیجیتالی مرگ



شرکت‌های خصوصی، ماشین جنگی را در اوکراین و غزه تغذیه می‌کنند  
(ال تابانو اکونومیستا)

هنگامی که جنگ جهانی اول به یک بن‌بست در نبردهای سنگری تبدیل شد، طرفین از دانشمندان خواستند تا این بن‌بست را بشکنند و کشورهايشان را نجات دهند. دانشمندان نیز به این درخواست پاسخ دادند و سیلی از سلاح‌های جدید از آزمایشگاه‌ها به میدان‌های جنگ سرازیر شد: جنگنده‌های هوائی، گازهای سمی، تانک‌ها، تحت‌البحری‌ها، مسلسل‌ها و توپخانه‌های پیشرفته‌تر. این نخستین نمونه بزرگ از ادغام علم و فناوری در ماشین جنگ بود.

جنگ جهانی دوم این روند را به سطحی هشداردهنده‌تر رساند. همان‌طور که تاریخ‌نگار یووال نوح هراری در کتاب از حیوانات به خدایان اشاره می‌کند: «وقتی رئیس‌جمهور وقت امریکا، دوايت آیزنهاور، در سال ۱۹۶۱ درباره قدرت فزاینده مجموعه نظامی-صنعتی هشدار داد، بخشی از معادله را نادیده گرفت. او باید کشورش را از مجموعه نظامی-

صنعتی-علمی نیز آگاه می‌کرد، زیرا جنگ‌های امروزی تولیداتی علمی هستند.» این دیدگاه در مورد درگیری‌های مدرن که در آن فناوری نقشی محوری دارد، کاملاً صادق است.

در ۲۶ می ۲۰۲۴، اسرائیل اردوگاه پناهندگان در غزه را بمباران کرد و ده‌ها فلسطینی را کشت. همان روز، سه خودروی کمکرسانی سازمان ورلد سنترال کیچن (World Central Kitchen)، که به‌وضوح دارای علامت‌های مشخصه و مجوزهای رسمی بودند، با راکت هدف قرار گرفتند و هفت سرنشین آن‌ها کشته شدند. این حمله نه تنها مانع از رسیدن غذا به نیازمندان شد، بلکه پرسش‌های جدی دربارهٔ دقت و اهداف پشت این اقدامات ایجاد کرد.

اسرائیل ادعا کرد که این حمله یک «اشتباه» بوده است، مشابه آنچه برای تقریباً ۲۰۰ نیروی امداد رسان کشته‌شده در ماه‌های قبل اتفاق افتاد. با این حال، این توضیحات با توجه به فناوری پیشرفتهٔ هوش مصنوعی و سیستم‌های انتخاب هدف که ارتش اسرائیل از آن بهره می‌برد، قابل‌باور نیست. بخش بزرگی از این فناوری توسط شرکت امریکایی پالانتیر (Palantir Technologies) تأمین می‌شود. این شرکت که در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد، یکی از پیشرفته‌ترین شرکت‌های داده‌کاوی در جهان است و ارتباط نزدیکی با سازمان سیا و سایر نهادهای اطلاعاتی دارد.

این شرکت از سال ۲۰۱۵ در اسرائیل فعال بوده، اما نقش آن در اوایل سال ۲۰۲۴ با امضای توافقی ستراتیژیک تحت عنوان «مشارکت برای فناوری‌های جنگی» بشدت افزایش یافت. این توافق پرسش‌های نگران‌کننده‌ای را مطرح می‌کند: آیا این یک فرصت برای آزمایش مدل‌های هوش مصنوعی روی غیرنظامیان است؟ آیا غزه به میدان آزمایش برای فناوری‌های مرگبار تبدیل شده است؟ دقت اصابت راکت‌ها به خودروهای امداد رسانی نشان می‌دهد که توانمندی‌های پالانتیر برای اهدافی فراتر از دفاع استفاده می‌شود.

نقش این شرکت در زیرساخت‌های نظامی اسرائیل بخشی از یک روند گسترده‌تر و نگران‌کننده‌تر است: وابستگی فزایندهٔ جنگ به فناوری. این ارتباط به سایر غول‌های فناوری نیز گسترش می‌یابد، از جمله استارلینک (Starlink) متعلق به اسپیس ایکس (SpaceX) که توسط ایلان ماسک اداره می‌شود. در اوکراین، همکاری پالانتیر و استارلینک نشان داده که فناوری چگونه جنگ را متحول می‌کند. مدل‌های هوش مصنوعی پالانتیر داده‌های حیاتی را برای ارتش اوکراین تحلیل می‌کنند، چیزی که مدیرعامل این شرکت آن را به‌طور نگران‌کننده‌ای «زنجیرهٔ دیجیتالی مرگ» نامیده است.

در حالی که جنگ در غزه به پایان خود نزدیک می‌شود، ستراتیژیست‌های اسرائیلی در حال طراحی یک آزمایش جدید هستند: یک ستراتیژی جامع برای «روز بعد» از جنگ. ائتلافی با نام «ائتلاف امنیت منطقه‌ای» که یک سال پس از آغاز جنگ تأسیس شد، به دنبال ترسیم مسیر جدیدی برای خاورمیانه است. این ائتلاف طرح سپر ابراهیم (Plan Escudo de Abraham) را به دونالد ترامپ ارائه کرده است؛ پیشنهادی بلندپروازانه برای تثبیت منطقه و تضمین امنیت و رفاه اسرائیل و متحدانش.

این طرح خواهان ایجاد یک دولت تکنوکرات در غزه برای نظارت بر بازسازی و مدیریت کمک‌های بشردوستانه است. همچنین بر عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی تأکید دارد و به دنبال ایجاد چارچوبی برای جداسازی از فلسطینیان است. یکی از شروط کلیدی آن، حذف حماس از ساختارهای سیاسی فلسطینی است. این طرح پیشنهاد می‌دهد که کشورهایمانند مصر و اردن مسؤلیت امنیت در غزه را بر عهده بگیرند، در حالی که اسرائیل تمرکز خود را بر کنترل تهدیدهای منطقه‌ای، به‌ویژه از سوی ایران، معطوف کند.

در میان این تشنج‌ها، کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) به‌عنوان نشانه‌ای از دوران رقابت ستراتیژیک ظاهر شده است. این پروژه تلاش دارد تا روابط اسرائیل و عربستان سعودی را تقویت کرده و همزمان نفوذ چین در

منطقه، به‌ویژه از طریق طرح «کمر بند و جاده»، را کاهش دهد. IMEC تنها ابعاد اقتصادی ندارد، بلکه پیامدهای ژئوپلیتیکی نیز به همراه دارد، زیرا بازتاب‌دهنده جاه‌طلبی‌های کشورهای برای تثبیت جایگاه خود در منطقه و تضمین امنیت انرژی است.

ادغام فناوری در جنگ‌های مدرن، ماهیت درگیری‌ها را تغییر داده است. شرکت‌هایی مانند پالانتیر و استارلینک نقشی کلیدی در این تحول ایفا می‌کنند و آنچه برخی از آن به‌عنوان «زنجیره دیجیتالی مرگ» یاد می‌کنند را شکل داده‌اند. در همین حال، طرح‌هایی مانند سپر ابراهیم و کریدور اقتصادی IMEC تلاش دارند تا چشم‌انداز ژئوپلیتیکی خاورمیانه را باز تعریف کنند.

با این حال، این ستراتیژی‌ها خالی از بحث و جدل نیستند. وابستگی به فناوری در جنگ و حذف بازیگران کلیدی مانند حماس از مذاکرات سیاسی، پرسش‌هایی جدی درباره امکان‌پذیری و عدالت این پیشنهادات مطرح می‌کند. آنچه مسلم است، آینده خاورمیانه با تعامل بین نوآوری‌های فناوری، جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی و مبارزه برای حقوق و کرامت مردم این منطقه رقم خواهد خورد.

هر آنچه دونالد ترامپ پیشنهاد داده است، بخشی از یک پروژه یا صرفاً آزمایشی است که در حال اجراست.

۲۸ فبروری ۲۰۲۵